

ادامه از صفحه ۵

از طرفی معاونت علمی و فناوری را قبل از اینکه یک معاونت بدانم که کارش کارسازی برای کارآفرینی است -گرچه آن را جزه وظایف قطعی می‌دانم- اما باید بگویم که کارش را بسترسازی برای توسعه تکنولوژی درنظر می‌گیرم. درمورد هوش مصنوعی باید نکته‌ای را بگویم؛ آقای طهرانچی حرف درستی‌زند که کشوری اگر تولیدکننده هوش مصنوعی نشود، طبیعتاً مصرف‌کننده شده و از این طریق قطعاً برده خواهد شد و این هم بدیهی است. فرض کنید خودرو و وسیله حمل‌ونقل آمد موتور و ماشین و… چه کار کرد؟ بدن آدم‌ها که باید پیاده‌روی و سخنرונودی می‌کردند تا روزی‌ده‌مانند، ضعیف کرد. تکنولوژی آمدو نتیجه‌اش این بود که بدن باز هم ضعیف شد و تکنولوژی جای فعالیت‌های بدنی را گرفت. هوش مصنوعی قرار است چه کار کند؟ قرار است به‌جای مافکر کندو جواب دهد و قرار است مساله حل کند و کد بنویسد، نتیجه‌اش چه می‌شود؟ از فکرت وذهنت کمتر قرار است استفاده کنی ودرنتیجه در افاق بلندمدت ذهن‌های ضعیف‌تر با فهم پایین‌تر و با قابلیت‌های مواج کمتر خواهی داشت، مگر اینکه بروی بالای هوش مصنوعی بنشینی، یعنی یک سطح بالاتری فکر وشرع کنی تولیدو طراحی کنی هوش مصنوعی. آنجاذهن قطعاً یک جولاگانه بزرگ داشته و رشد خواهد داشت.

ایـن مثال را برای این گفتم که من وظیفه اصلی معاونت علمی را در دهه آینده سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های اقتصاد دیجیتال مثل هوش مصنوعی، مثل سنسور و اینترنت اشیا می‌دانم. بنده از آنجا که این گونه فکر می‌کنم یکسری تغییرات را در سیستم ساختار می‌چینم که از جمله آن ساختار حمایت کردن از جریان‌های نیروی انسانی و تیه‌های انسانی و شرکت‌ها برای ایجاد فناوری می‌زنم لزوماً توسعه کسب‌وکار با استفاده از فناوری است، یعنی کاربری فناوری این است که نوآوری می‌دهد. درمورد ایجاد فناوری حرف می‌زنم پس زیرساخت دیگری می‌خواهیم. در این زمینه یکی حمایت مستقیم وشناسایی از هسته‌ها و تیم‌ها و گروه‌هایی که در حوزه الگوریتم و امثالهم کار می‌کنند باید دنبال کرد و بوم ایجاد کردن زیرساخت‌های بزرگ میدانی مثل آزمایشگاه‌های ملی مان. برنامه جدی مان این است در این دوره با حمایت ویژه که دولت دارد، کارهایی را انجام دهیم.

من نکته‌ای داخل برانتر بگویم، سال ۱۴۰۱ سالی طلایی در دولت سیزدهم بود و بودوژی بزرگ داشت. یک قانون جهش تولید تصویب شد و قطعاً این قانون سه، چهارسال پیش با اینکه دوستان دنبالش بودند، اما به آن توجه نمی‌شد و برای ما هم باور کردنی نبود که تقریباً خردادماه تصویب شد و بافاصله دوماه بعدش هم من آدم‌دم در این دوماه تمام توان را گذاشتم که تا دی ماه تمام آیین‌نامه‌های اجرایی قانون تصویب شود؛ وقت زیادی می‌گذاشتمش شاید بیش از ۳۰ جلسه تخصصی کاربردی داشتیم که قانون مصوب شود، البته خود قانون بحثی داشت و دوستان فکر نمی‌کردند که به آیین‌نامه برسند. فکر می‌کردند قانون در می‌آید و آیین‌نامه‌هایش می‌ماند. با این وضعیت به‌نظم واقعاً باقیات‌الصالحات آقای رئیسی خواهد شد. من به این قانون امیدوارم که آیین‌نامه‌هایش هم خوب درآمده است.

نکته دیگری که برمی‌پاسال را اسال دانش‌بنیان نام گذاشتند و جریانی همگانی بین دستنگاه‌ها درست کردیم و امروز همه دستنگاه‌های کلان کشور یک آیین‌نامه مصوب هیات وزیران برای حرکت در مسیر اقتصاد دانش‌بنیان دارند. فقط سنسد دانش‌بنیان وزارت نیرو اگر صرفاًسالی ۱۰ درصد از آن اجرا نشود؛ شما ۵، ۶ سال آینده قطعاً یک تحول جدی در حکمرانی در اقتصاد آب و انرژی خواهید داشت. امسال هم از نظر حمایت‌های مالی ما منابع مالی مستقیم و غیرمستقیم را که در اختیار معاونت علمی است ملاحظه کردادیم و منابع خوبی امسال و پارسال از سوی دولت در اختیار قرار داده شده است.

از موضوع اقتصاد دیجیتال دور نشویم. به شکل گیری آزمایشگاه‌های ملی اشاره کردید؛ چه نقشی در اقتصاد دیجیتال خواهد داشت؟
یک کارمان ورود به اقتصاد دیجیتال است و از تیم‌ها و هسته‌هایی که تکنولوژی را توسعه می‌دهند حمایت می‌کنیم. دومین نکته این است که یکی، دو زیرساخت ملی بسازیم نه اینکه فقط ساختایش را بسازیم، بلکه هویتش را بسازیم. ساختار زیاد داریم، مثلاً برنامه‌ریزی هفت آزمایشگاه ملی (National Lab) را داریم. البته نه آزمایشگاه ملی، چون ما کلمات را خوب مصرف می‌کنیم. در کشور ۱۰۰ آزمایشگاه ملی داریم. آزمایشگاه ملی به این معنا که در خاورمیانه تک باشد در این ابعاد مثلاً آزمایشگاه ملی هوش مصنوعی که اخیراً توافقی را کردیم، مدنظرمان است. تصور کن که آزمایشگاه ملی که در خاورمیانه تک باشد و ظرفیت پذیرش ۵۰۰۲۰ تا هزار محقق هوش مصنوعی را دارد. GP، فرم عظیمی دارد که در کشور ویژه است و کلی امکان دیگر مانند اینترنت خیلی پرسرعت داشته و همه چیز برای اینکه ۵۰۰۲۰ و هزار تا محقق هوش مصنوعی دور هم بنشینند و علم تولید کنند، آماده است. این یکی از برنامه‌های جدی ما به‌عنوان زیرساخت اقتصاد دیجیتال خواهد بود.

چه توافقی صورت گرفت؟

اخراً با مجموعه‌ای برای در اختیار قرار دادن زمین و ساختامتش توافق اولیه کردیم، من معتقدم معاون رئیس‌جمهور وظیفه‌اش این است که همه را دور هم جمع کند و آسان‌ترین کار این است که من خرج کنم و سریع هم منابع من تمام شود، باید توانیم منابع مختلف را بیاوریم، یعنی یکی جایش را یکی آتش را بیاورد و یکی سفره را ببندازد و سیستم راه بیفتد و من منبع بگذارم و این نکته را خدمت رهبری می‌گفتم و ایشان این حرف را تا اکتید و تایید کردند که معاون رئیس‌هم کارش هماهنگ کردن دستگاه‌های کشور برای انجام یک کار نوآورانه است. موافقتنامه اولیه‌اش هم امضا شد.

باز زمانی‌اش چه قدر است؟

سه سال. مطابق برنامه‌ریزی ای که داریم این مدت برای ۷-۶ آزمایشگاه ملی سه‌تا هفت سال است که فکر می‌کنم به آن به‌عنوان زیرساخت برسیم. بحث دیگری بحث میکرو الکترونیک در اقتصاد دیجیتال است. اقتصاد دیجیتال بدون میکرو الکترونیک با این تریخی که دنیا جلو می‌رود، معنا ندارد. نظر شخصی خودم در این زمینه آن است که فرصت کشور در سنسور است نه چیپست، معتقدم در بازه چیپست ما پنجره فرصت‌مان را از دست دادیم نه اینکه نمی‌توانیم به چیپست برسیم اما پنجره فرصت چیپست نمی‌شود واز بار شد، چون نمی‌توانیم اقتصادی‌اش کنیم اما با توجه به شرایط فعلی اگر ورود کنیم به‌زودی مصرف‌کننده تعداد زیادی سنسور در همه حوزه‌ها خواهیم بود. درحالی که سنسور از نظر ابعاد و اندازه و ویژگی‌ها پتانسیلش در کشور بالاتر است.

پس زیرساخت دیگری که در بحث اقتصاد دیجیتال دنبال آن هستیم میکرو الکترونیک است. عمدتاً به این حوزه به‌دو طریق نگاه می‌کنیم که اصطلاحاً به آنها قیدبسی و قبلس می‌گویند. در قبلس‌ها دنبال این هستیم که مغزافزاه را دور هم جمع کنیم. تیم‌ها وشرکت‌های بزرگی را بسازیم که کارشان طراحی میکرو الکترونیک، سنسور و چیپست است و

ساختش در کشوری دیگر انجام می‌شود مغزافزارش اینجا وسخت‌افزارش جای دیگر است.

یک جریان فب‌دیس هم هست، جایی که ممکن است بحث‌های جدی و تحریم و مثالی از این دست را داشته باشیم. ما باید خودمان فب داشته باشیم و این هم زیرساخت دیگری است. زیرساخت دیگر اصلاح حکمرانی است که در اقتصاد دیجیتال از همه مهم‌تر است. ما همین الان اگر بتوانیم حکمرانی صریح، شفاف و دسترسی آسان و امن روی داده‌هایی که در کشور تولید می‌شود- از دستگاه تراکتش سوپرمارکت‌ها بگیرد تا بیمارستان‌ها و پمپ‌بنزین‌ها- داشته باشیم، باید عنوان کرد به حدی می‌شود در این حوزه برای کشور با حوزه دیجیتال، هوش مصنوعی و دیتا مایلینگ اطلاعات راورد و تصویرسازی کرد که حد ندارد. حرف فقط اینجاست که باید این سه حوزه را در این پنج سال بتوانیم جلو ببریم و برنامه‌مان این است در کنار حمایت‌هایی که در جریان‌های کارآفرینی اقتصاد دیجیتال قبلا هم می‌شده و می‌شود.

رئیس مجمع جهانی اقتصاد در کتاب انقلاب صنعت چهارم از داده به عنوان نفت در دنیای جدید یاد می‌کند. حالا که موضوع بپردازید.

مهم‌ترین چیزی که به‌نظم برای هر کشوری اهمیت دارد حکمرانی خوب (GOOD GOVERNANCE) است. اگر یک مجموعه و کشوری حکمرانی خوب داشته باشد خودبه‌خود تا همه حوزه‌ها تا مراحل پایین آن حل می‌شود. وقتی حکمرانی خوب داشته باشیم همه حوزه‌ها یعنی اعتماد مردم، امید مردم، دبلیستنگی مردم، توسعه اقتصاد، امنیت رفاه و… همه اینها با هم حل می‌شود. می‌گویم حکمرانی خوب اما این را اول باید بپذیریم که مهم‌ترین شأن نظام یک کشور حکمرانی‌اش است، حکمرانی خوب است.

برای حکمرانی خوب اطلاعات یعنی فهم از کشور مورد نیاز است. حکمرانی‌های خوب کارشان چه بوده؟ در جاهای مختلف افرادی را داشتند که اخبار می‌آوردند، این شهر این طوری است. آنهایی که می‌توانستند اخبار را خوب مدیریت کنند، می‌توانستند کشور را پایدار نگه‌دارند، چون به‌قولی اساس حکمرانی پیش‌بینی است وپیش‌بینی اولین چیزی که نیاز دارد، این است که بدانی الان وضعیت چه شکلی است و توانی پیش‌بینی کنی که به کدام سمت حرکت کنی و براساس آن تصمیم بگیری.

موضوع دیگر اینکه زمانی تمام فعالیت‌هایی که بشر انجام می‌اد ثبت‌هایش به‌صورت فیزیکی انجام می‌شد، دفتر داشتند حتی بانک‌ها هم، با ورود عصر کامپیوتر و نفوذ شد در زندگی آدم‌ها توسعه استفاده از الکتریسته در زندگی آدم‌ها به تبع آن اقتصاد دیجیتال و دیجیتال شدن زندگی‌ها، کلی داده تولید می‌کند. در منزل یک آدم معمولی تلویزیون، آب، برق و همین گوشی که دست آدم‌هاست کلی سنسور اندازه‌گیری دارد و کلی داده هر لحظه تولید می‌کند؛ اینکه شما کجایی با چه سرعتی حرکت می‌کنی، در چه ارتفاع و دمایی هستی، قابل صحبت نیست، اما برای شناخت دقیق و شفاف از هر چه بخوای انجام می‌دهی، دفتر داشتند و داده هم وجود دارد، فقط مساله این است که داده‌ها بزرگ و زیاد هستند. اگر بتوانیم با استفاده از الگوریتم‌های دیتا مایلینگ یا کاوش دیتا و هوش مصنوعی اینها را به اطلاعات و آگاهی تبدیل کنیم، می‌توانیم پیش‌بینی‌های دقیق داشته باشیم.

حکمرانی خوب یعنی مدیریت دیتاها و منابع عسور، عدالت و رفاه و… حالا شفاف‌شد که این داده‌چقدر ارزشمندو مهم است، چون در حکمرانی تاثیر دارد. بیایید ببینیم در حکمرانی از حاکمیت کلان است تا حاکمیت بخشی و فعالیت دستگه‌های آن سر دنیا این را خوب فهمیده‌اند.

من می‌گویم حاکمان هوشمند با داده‌هایی که وجود دارد در حکمرانی هوشمند حکومت‌های دائمی خواهند داشت، یعنی حکومت‌ها با رفتن به سمت استفاده از داده‌ها و هوشمندسازی و تجربه حکمرانی هوشمند حکومت‌های ابدی خواهند شد. این مساله مهمی است، باید بپذیریم چقدر می‌توانی تاثیرگذار باشی- ما مشکل مان در حکمرانی داده‌هاست که اینکه داده‌ها بالاخره همان طوری که اطلاعات است، اگر مورد سوءاستفاده قرار گیرد، خطرناک هم است و می‌توان با همین داده‌ها ملتی را از بین برد. پس این موضوع یک طرفش بهیشت و طرف دیگرش جهنم است. حکمرانی داده مثل صراط مستقیم است، درست در مسیرش حرکت کنی این طرفش بهشت است و آن طرف جهنم. اینقدر ضرورت دارد که کشور همه کارهایش را در حوزه اقتصاد دیجیتال تعطیل کند و فقط و فقط به حکمرانی داده یک نیتظام ساده‌ان میرسد؛ پیچیده و امن کردن کار آسانی است و می‌توان آن را غیرقابل استفاده کرد و آسان کردن هم کار آسانی است و از این طریق وضعیت غیر امن می‌شود، هنر حکومت باید این باشد که در برنامه هفتم بتواند یک نظام دسترسی آسان و امن به داده‌ها ایجاد شود.

ایسن نگاه در دولت وجود دارد؟ اهمیت داده نکته جدیدی برای ما نیست. حداقل در سال‌های اخیر متوجه اهمیتش شدیم و چند باری هم با چالش‌های مربوط به آن دست‌وپنجه نرم کردیم. اینکه به قول شما هنوز به این نظام مشخص نرسیدیم علتش چیست؟

در دولت سیزدهم نرخ حضور جوان‌ترها خیلی زیاد است. انصافاً نسبت به دولت‌های قبلی دولت جوانی است بواسطه همین اهمیت موضوع بهتر درک می‌شود. از دبیر شورای عالی فضای مجازی بگیر تا وزیر ای‌سی‌تی آنها که مرتبط‌تر هستند خیلی جوان‌ترند. این امر کمک کرده که واقعا جدید در دولت برای پیگیری این حوزه شکل بگیرد. کار گروه اقتصاد دیجیتال که شکل گرفته انصافاً کارهای خوبی انجام می‌دهد و آیین‌نامه‌هایی درآورده و کار اجرایی برد و من امید دارم به این اتفاق. اما از طرفی تعددد دستگاه‌های مختلف که صاحب‌نظر هستند از دستگاه‌های نظارتی، امنیتی، حقوق و قضایی اینها مقداری کار را گیر انداخته ولی حداقلش این است که دولت کارگروهی به اسم اقتصاد دیجیتال درست کرده و تمام اختیارات دولت رئیس‌جمهور هم به آن کارگروه داده‌و آن گروه تصمیماتش در شأن تصمیمات دولت و رئیس‌جمهور است.

نבاید انتظار داشت که شورای عالی فضای مجازی در این ماجرا فعال تر شود؟

نگرش من این است که شورای عالی اصلا به نسبت کارگروه‌های دیگر اجرایی نیست. کارگروه اقتصاد دیجیتال یک کارگروه در دل دولت است که شأن دولت را دارد. اقتنا مشخص است و از آن باید این‌نامه و شیوه‌نامه اجرایی دربیاید. شورای عالی درواقع یک مجلس تخصصی است. من شورای عالی را این شکلی می‌بینم. ما مجلس عمومی در کشور داریم، مجلس شورای اسلامی که مجلس قانون‌گذاری است و شانش اجل را همه نهاد‌های قانون‌گذاری است. یکسری شورا‌های عالی داریم که درواقع شورا‌های تخصصی هستند که اجازه قانون‌گذاری در سطح سیاست مجلس عمومی را دارد و در سطح قضا، در سطح اجراء و در سطح

دانشگاه

خود قانون می‌تواند قانون بگذارد ولی این شورا‌ها شوراهایی هستند که می‌توانند سیاست اعمال کنند. این شأن اگر درست بشود کار درمی‌آید. ما شورای عالی داریم، سیاست‌های کلان کشور را مشخص می‌کند و ماحصل آن می‌شود سنسد بالادستی. یک کارگروه اقتصاد دیجیتال داریم که ذیل آن سیاست‌ها نه ذیل آن شورا‌ها به‌عنوان قانون اجرا می‌کند و نباید اینها را هم قاطی کرد.

در حوزه سیاستگذاری در بحث حکمرانی داده چالشش نداریم که ما این انتظار را از شورای عالی فضای مجازی هم داشته باشیم؟
چرا داریم. وقتی اینقدر دستگاه‌ها زیاد می‌شوند اختلاط ماموریت پیدا می‌کنند و در دست و پای همدیگر می‌روند که این اتفاق هم می‌افتد. گاهی شورا را اجرا هم ورود می‌کند ولی من حس می‌کنم با توجه به آد‌هایی که در رؤس این دستگاه‌ها نشستند همدیگر را می‌فهمند. آقای وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، بنده، آقای آقامیری وبقیه دوستانی که تاحدودی به این فضا مرتبط هستند با همدیگر کار کرده‌اند و بهتر درک می‌کنند، فکر می‌کنم حکمرانی نهاد‌ها هم بهتر شود.

به شاخص ملی نوآوری اشاره کردیدو گفتید که در حال تدوین است. در سایت معاونت سامانه پایش و ارزیابی فناوری وجود دارد و بخشی هم مربوط به طرح ملی پیمایش نوآوری است که هیچ کدام از اینها فعال در دسترس و بروز نیست. علتش همین ماجرای تدوین شاخص جدید است یا مساله دیگری است؟

سایت و سامانه خدمت‌رسانی معاونت علمی، یک سایت قدیمی ۱۲۰۱۰ ساله است که بیشتر اطلاع‌رسانی است تا سایت خدمت. چهار، پنج ماه است که خیلی جدی تیم‌های داخل معاونت و بیرون فعالیت می‌کنند تا یک پلتفرم جامع خدمات معاونت علمی داشته باشیم. فکر می‌کنم تا آخر شهریور همه پلتفرم‌های ما روی میز باشند؛ از پلتفرم‌هایی که روی گوشی یا لا می‌آیند تا پلتفرم‌هایی که عمومی و اطلاع‌رسانی هستند. نکته دیگر این است که بالاخره هر دوره‌ای یک الزاماتی دارد. شما فرض کنید وقتی می‌خواهید جبهه‌ای را فتح کنید؛ یک دوره آماده‌سازی و تجهیز لشکر دارید، دوره برنامه‌ریزی عملیات دارید، دوره حمله کردن به یک خطی و فتح کردن برخی مناطق را دارید. ما دوره بعدی‌اش که بسیار سخت‌تر است تثبیت کردن است.

در جنگ‌های متعدد بحث گرفتن یک عرصه خیلی آسان است. شب طرف خوابیده، شیخونی می‌زنی و عرصه‌اش را می‌گیری، اینکه بتوانی نگاه‌داری خیلی کار سختی است. من باورم این است که یک دوره‌ای دو اصطلاحاً خشک کشیدن بوده و برای ورود به اقتصاد دانش‌بنیان زحمت کشیدند. یک دوره، دوره تجهیز بوده و ابزار مقاومت علمی تجهیز شده با یک‌سری ابزار مثل قانون سال ۸۹ و ستادها و امثالهم. یک دوره‌ای هم زدن به خط و فتح کردن بعضی از خاک‌ریزها بوده که اتفاق افتاده و الان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایش بحث تثبیت است و بعد از این باید گسترش‌های بزرگ‌تر را مدنظر قرار دهیم.

من این بحث‌های رشد و پیش‌را را در فصل تثبیت می‌دانم. در سال‌های گذشته کارها و زحمت‌هایی اتفاق افتاد ولی چون برنامه‌های چند چیز دیگری بوده، نتیجه هم متفاوت بوده است. یعنی برنامه این بود که فعلاً یک‌سری جبهه‌ها را بگیریم و اینجا و آنجا ورود کنیم و مرکز نوآوری بزینم و جبهه‌مان را گسترش دهیم. الان فتوحاتی اتفاق افتاده باید ببینیم کجاییم، چه کار باید کرد و چطور رصد و پایش کنیم. ما می‌توانیم به مردم حرف بزینم و خروجی بدیم که در حوزه اقتصاد اشتغال و درآمد فلان میزان خروجی داشته‌ای که در مورد NLI و شاخص نوآوری ملی گفتیم از همین جنس است که بشود به مردم و ملت گزارش واقعی داد که اینقدر شرکت، اینقدر اشتغال و مالیات صورت گرفته است. در همین نظامات هم بعضاً جاه‌جویی انجام می‌دهیم، تصور می‌کنم به‌زودی این بحث ابلاغ می‌شود. نظام ارزیابی و حمایت از دانش‌بنیان‌ها برای ۱۲ سال واقعا ارتقای جدی پیدا کرد و چنین اقداماتی است که نشان می‌دهد ما چه کار داریم می‌کنیم و چه خروجی داریم.

شاخص جدید دیگری هم در نظر دارید؟

تعداد به‌عنوان یک مساله عمومی مطرح است و مهم است و هدف‌گذاری هم روی آن داریم. دولت که شروع شد تقریباً ۶۰۰۰ شرکت در کشور وجود داشتند، الان قریب به ۹۰۰۰ شرکت هستند. در دو سال گذشته ۳۰۰۰ شرکت به‌عنوان شرکت‌های دانش‌بنیان اضافه شده‌ و این عدد خوبی است منتها شاخص دقیقی برای ما نیست. همان شاخص‌هایی که گفتیم؛ سهم گردش مالی، اشتغالی که ایجاد می‌کنند و خودکفایی و مأموریت‌های ملی که در کشور انجامی دهند،

صرفه‌جویی که ایجاد می‌کنند،

اینها ملاک‌های واقعی است

که قابل اندازه‌گیری است

و ما می‌خواهیم روی اینها

تمرکز کنیم.

اخیرا در رابطه با

یونیسکون صحبتی

کردید که واکنش‌های

مختلفی داشت.

اوایل دولت قبل هم

این بحث با عدد

دیگری مطرح شد

که نهایتاً بعد از هشت

سال اتفاقی نیفتاد. شما

فرست‌ها را کوتاه‌تر کردید. باز

سه‌ساله‌ای در نظر گرفتید. در

محیط استارت‌آپی امری بسیار

عجیب و شاید غیرواقعی هم به

نظر برسد.

این را حتماً باید توضیح دهم، یک

مساله‌ای است، شما اول گفتید

استارت‌آپ. من خیلی اعتقاد ندارم که

لزوماً استارت‌آپ‌های می‌توانند یونیسکون

باشوند. یونیسکون یک اصطلاحی است

که درمورد شرکت‌های خاصی در حوزه دیجیتال به کار می‌رود که مثلاً ابداع‌شان ابعاد یک میلیارد دلاری در بازار سرمایه است و یکسری الزامات دارد. من معتقدم همین

آن در کشور چهار، پنج یونیسکون داریم منتها دو تا مساله وجود دارد. اگر مافضای کشورمان طوری بود که اینها می‌توانستند سرمایه‌گذار خارجی جذب کنند و وارد بورس‌های جهانی یا بورس کشور شوند، قطعاً یک میلیارد دلاری هم می‌شدند. نمی‌خواهم اسم ببرم. همین الان پلتفرم‌هایی که در کشور هستند و کار می‌کنند از حمل‌ونقل بگیر تا توزیع کالا به‌نظر من با توجه به فروش‌هایشان و ابعادی که دارند یک میلیارد دلاری هستند منتها برای حضور در بازار سرمایه بین المللی و ملی و از همه مهم‌تر در بازار خارجی و سرمایه‌گذار خارجی یکسری قیود وجود دارد. من کاری به دردست و غلطش ندارم ولی در کشور ما جذب سرمایه داشته باشد. منتها من معتقدم تا فضای شفاف و مستقیم برای سرمایه‌گذار خارجی و ورود به بورس نباشد، یونیسکون داشتن در این قسه محال است. اصلاً تعریف یونیسکون این است که بتواند سرمایه را جذب کند. مگر ما چقدر تولید داریم که یک شرکت یک میلیارد دلار جذب سرمایه داشته باشد. منتها از یک نگاه دیگری می‌خواهم یونیسکون را با یک اصطلاح دیگر که در دنیا مرسوم است به کار ببرم، بیگ‌تک؛ اصطلاحاً به شرکت‌های غول فناوری می‌گویند. هیچ‌کس به‌ساستونگ نمی‌گوید یونیسکون. یونیسکون اصطلاحی است که بیشتر برای استارت‌آپ‌های دیجیتال وب‌به‌کار می‌رود. پس دنبال این نیستیم که استارت‌آپ یونیسکون شود، این قطعاً مسیرش بسته است. استارت‌آپ‌های ما می‌توانند غزال شوند که من غزال را رویکرد درستی برای ایران می‌دانم. خیلی از کشورهایی که هم اندازه ما هستند مثل آفریقای جنوبی که خیلی در حوزه استارت‌آپ‌ها هم فعال است، کاملاً برای ایجاد غزال‌ها هدف‌گذاری کرده است به‌طور مثال سامانه صندوق و نوآوری آفریقای جنوبی غزال نام دارد و یونیسکون نیست. یونیسکون و غزال دو منطق متفاوت هستند.

من فضا را برای اینکه بتوانیم غزال‌های ایرانی داشته باشیم و مثلاً صد تا غزال داشته باشیم، کاملاً باز می‌دانیم و برنامه‌هایی که پیش می‌بریم در هر راستایی همین است. باشگاه‌های شرکت‌های پیشران که الان ۲۷ یا ۲۸ عضو دارد شرکت‌هایی هستند که حداقل ۱۰۰ میلیون دلار در سال فروش دارند، بیش از ۱۰۰ نفر نیرو دارند و حتماً دانش‌بنیان نوع یک هستند. همین الان این باشگاه ۲۷ عضودارد شرکت‌هایی با فروش بیش از ۱۰۰ میلیون دلار و بیش از ۱۰۰ نفر دانش‌بنیان فناور عضوان باشگاه هستند و حدود ۶۰ تا ۶۰۰ شرکت در نویت عضو هستند. این شرکت‌ها، غزال‌های ایرانی هستند.

اما مفهومی برای یونیسکون یا بیگ‌تک وجود دارد. من بیگ‌تک را بهتر می‌دانم. چند جای دیگر هم صحبت کردم و کلمه غول فناوری را به کار بردم. به‌طور مثال مینا یکی غول فناوری است. در حال حاضر پیشرفت‌های کشور در بحث موتور بسیار عجیب است. من تعریفی نمی‌گویم، قرارداد‌هایی که میلیارد‌ها دلاری هستند و فقط در رابطه با تعمیر و نگهداری موتورهای جت هستند، شوخی نیست. پس در رابطه با خودکفایی خود معاونت است. اینکه دسترسی به خود معاونت است، توزیع منابع در کشور و در شهرهای مختلف، دسترسی آدم‌ها به منابع معاونت علمی، پاسخ‌گویی این معاونت و سیستم حکمرانی معاونت علمی چقدر چابک‌وسرعت است. یعنی حکمرانی معاونت علمی چقدر پیچیدگی و سادگی دارد. خیلی موضوع مهمی است. من این را اولین شاخص می‌دانم

و خودم را با این ارزیابی می‌کنم. به‌خاطر همین است که ما هر هفته سر این جوش می‌آورم و پیگیری می‌کنم، مهم جذب است. دوام، حجم بازاری است و بستگی که در این سه چهار سال به‌عنوان بازار واقعی و قرارداد مطرح است. ما تفاهم، و… از برآینش را مطلقاً زدیم. می‌گویم با موافقتنامه ببندیم با قرارداد. تازگی‌ها می‌گویم موافقتنامه می‌بندیم. به قولی می‌گفتند بیع باید جاری شود. اولین قرارداد هم باید ذیلش بسته شود. موافقتنامه بی قرارداد، نه! اخیراً در جلسه‌ای که با انرژی ۱۲۰۰ داشتیم ۲۰۰۰ میلیارد تومان موافقتنامه بستیم. همان جا قرارداد امضا شد. یک میلیارد تومان سرمایه‌گذاری را هم معتقدیم است. نه اینکه من پول این سه‌هه ملاک می‌شود؛ اصطلاحاً اقتصادی است که من دارم. ملاک اول، شفافیت و روان بودن و چابک بودن ساختار حاکمیت در معاونت علمی. ملاک دوم حجم بازار و قراردادها و ملاک سوم شاخص‌های اشتغال و تعدادی در حوزه اقتصاد است.

در حوزه فناوری هم تعداد فناوری‌ها وارزش فناوری‌هایی که ایجاد شدند، نه فناوری‌هایی که صرفاً استفاده شدند. در این مدت این کمردت بوده است. شاخص هم داریم؛ کشور در هر حوزه به‌چند فناوری دست پیدا کرده، نه اینکه کشور از چند فناوری استفاده کرده و اینکه ارزش این فناوری‌ها چقدر است. مثلاً می‌گویند ارزش فناوری فلان موضوع اینقدر میلیون دلار در دنیا است و اینکه چقدر ما از این فناوری درآمد داشته‌ایم. این حرف دیگری است. اینکه در این دوره سه‌ساله، چون سه سال زمان خوبی است به‌چند فناوری یا چه ارزشی دست پیدا کرده‌ام؟ این ملاک هم در حوزه فناوری است.

در حوزه علم هم چون ما دنبال جریان‌سازی هستیم ملاک این است که چند آدم شاخص در کشور پررنگ شدند و چند کار شاخص علمی در سطح جهان منتشر شد. در حوزه علمی چند مقاله و چند ساینس منتشر شد. بحث مقالات عمومی به‌عنوان یک موج عام با وزارت علوم است. به‌عنوان جریان‌سازی اینکه این‌ان در چند حوزه مطرح شد مثلاً ۲۰ دانشمند خاص در کشور داشتیم، در ۵۰ هزار هم توانستیم مطرح شویم. این هم ملاک شاخص اندازه‌گیری در حوزه علم است.

این را هم اضافه کنیم که اینها علم و فناوری و دانش‌بنیان بوده، یکی قبل و یکی بعدش را می‌خواهیم بگویم. یکی اینکه چقدر توانستیم اندیشکده دانش‌بنیان ایجاد کنیم و چقدر به اندیشکده‌ها فضا دادیم. به این مساله کمتر توجه شده است. ولی من معتقدم که خیلی مهم است. دوم شاخص‌های کسب‌وکار و شاخص‌های تسهیل کسب‌وکار و بهبود فضای کسب‌وکار به‌عنوان وظیفه آخری که کارآفرینی معاونت انجام می‌دهد، است. کشور در شاخص‌های کسب‌وکار و بهبود فضای کسب‌وکار چقدر ارتقا پیدا کرده است. این دورا دو طرف می‌گذارد. من این سه

شاخص اگر توفیق پیدا کنیم که خوداند متعال را اشا‌کاریم. هر جا که احساس کنیم نمی‌توانیم کار انجام بدهیم، بلد نیستیم، قبل از اینکه دولت تمام‌شود خدا حافظی می‌کنیم من این تعهد را در وقتی احساس کنیم به‌هر دلیلی کار در نمی‌آید یک ماه هم معطل نمی‌کنم و فرصت را به‌قدری بعدی می‌دهم.

با یک برند یکسان کار را انجام می‌دهند.

اگر موفق شویم این ۲۵۲۴ پروژه پیشران را انجام دهیم و بازار صادراتی‌مان را از همه مهم‌تر تر بازارهای بزرگ داخلی‌مان را به‌سببم شرکت‌گان‌ها هل بدهیم، به‌طور مثال با شرکت نفت سر ۱۵ قلم گلوگاهی بحث حضاری (اصطلاحاً جهت‌دار) موافقت‌نامه نوشتم که قطعاً کار یک شرکت نیست ولی اگر یک پروژه بزرگ چند ده میلیون دلاری را بدهیم به شرکت‌گان می‌توانیم موفق شویم. پس سه تا کار شد. یک، پروژه‌های پیشران‌مان را به شرکت‌گان‌هایمان بسپاریم. دو، پروژه‌های بزرگ دولتی را به شرکت‌گان‌هایمان بسپاریم. سه، خط‌های صادراتی را برای شرکت‌گان‌هایمان باز کنیم.

کار دیگری که تازه داریم تعریف می‌کنیم این است که پکیج‌های حمایتی به شرکت‌گان‌هایمان بدهیم. مثلاً فرض کن یک شرکت‌گان که ۱۰ شرکت بزرگ هستند دلیل هر کدامشان ۵ شرکت کوچک هستند، مثلاً در حوزه سلامت در همین نمایشگاه ایران هلث این بحث را با هم داشتیم. یک شرکت‌گان بزرگ سه‌عضودارد که هر کدام از اینها ۱۰ شرکت ذیل‌شان و بحث هوش مصنوعی هم یک شرکت‌گان قابل تشکیل است. ما به شرکت‌گان می‌گوییم تو تصمیم بگیر که چه کار کنی، صندوقش کنی، مدیریتش کنی و سعی کنیم به شرکت‌گان‌هایمان هویت بدهیم، این وقت بچغچه‌های می‌گیرند که با هم کار کنند. واقعا دور نیست. در حوزه دارو اگر نگاه کنیم حداقل یک شرکت‌گان قابل تشکیل است. در تجهیزات پزشکی هم یکی قابل تشکیل است. در نفت هم یکی قابل تشکیل است. من می‌خواهم اسم ببرم که بدانی هست. در اقتصاد دیجیتال و بحث هوش مصنوعی هم یک شرکت‌گان قابل تشکیل است. در حوزه کشاورزی یکی قابل تشکیل است. در حوزه غذا و فرآوری غذایی هم همین طور. در صنایع پتروشیمی، در گیاهان دارویی هم همین طور است. اصلاً کار سختی نیست. مانی‌توانیم یک شرکت‌گان بزرگ داشته باشیم؟ واقعا بگویم که می‌شود، چه‌من باشم و چه نباشم. این فقط نظر من نیست. مایکی از ویژگی‌هایمان در معاونت این است که واقعا عقل‌جمعی نظری دهد و این نظر قه‌می‌های کویسیست‌است. آنها که استارت‌آپ‌های بزرگ را راه انداختند. ما با هم گپ زدیم از متخصصان صنعتی و اساتید دانشگاه همه به این معتقدند که تا در کشور حداقل ۱۰ تا غول فناوری در حوزه‌های مختلف نباشند، که اینها‌ها بر بادی نلرنند، با یک تغییر ارزی تکان نخورند، کار راه نمی‌افتد. ولی اگر اینها‌ها بیفتند، مثلاً ۱۰ جراتی که اقتصاد خصوصی و مستقل از دولت هستند و منابع بخش خصوصی را دارند، حتما‌ها کدام پشت‌سر خودشان هزار تا شرکت خواهند داشت.

تقریباً نیمی از عمر دولت تابستان امسال پشت‌سر گذاشته می‌شود. شما احتمالاً یک فرصت کوتاه دو ساله‌ای تا پایان این دولت دارید. اگر بخوایم فعالیت‌آقای دهقانی فیروز‌آبادی در معاونت علمی را سنسجیم، چه سنخه‌هایی را باید در نظر بگیریم؟ می‌خواهم شما معیارهایی برای قضاوت عملکرد خودتان ارائه کنید.

سه چهارتا پارامتر بیشتر ندارم. اولین پارامتر سنخش که خیلی مهم است، بحث معاونت خود معاونت است. اینکه دسترسی به خود معاونت است، توزیع منابع در کشور و در شهرهای مختلف، دسترسی آدم‌ها به منابع معاونت علمی، پاسخ‌گویی این معاونت و سیستم حکمرانی معاونت علمی چقدر چابک‌وسرعت است. یعنی حکمرانی معاونت علمی چقدر پیچیدگی و سادگی دارد. خیلی موضوع مهمی است. من این را اولین شاخص می‌دانم و خودم را با این ارزیابی می‌کنم. به‌خاطر همین است که ما هر هفته سر این جوش می‌آورم و پیگیری می‌کنم، مهم جذب است. دوام، حجم بازاری است و بستگی که در این سه چهار سال به‌عنوان بازار واقعی و قرارداد مطرح است. ما تفاهم، و… از برآینش را مطلقاً زدیم. می‌گویم با موافقتنامه ببندیم با قرارداد. تازگی‌ها می‌گویم موافقتنامه می‌بندیم. به قولی می‌گفتند بیع باید جاری شود. اولین قرارداد هم باید ذیلش بسته شود. موافقتنامه بی قرارداد، نه! اخیراً در جلسه‌ای که با انرژی ۱۲۰۰ داشتیم ۲۰۰۰ میلیارد تومان موافقتنامه بستیم. همان جا قرارداد امضا شد. یک میلیارد تومان سرمایه‌گذاری را هم معتقدیم است. نه اینکه من پول این سه‌هه ملاک می‌شود؛ اصطلاحاً اقتصادی است که من دارم. ملاک اول، شفافیت و روان بودن و چابک بودن ساختار حاکمیت در معاونت علمی. ملاک دوم حجم بازار و قراردادها و ملاک سوم شاخص‌های اشتغال و تعدادی در حوزه اقتصاد است.

در حوزه فناوری هم تعداد فناوری‌ها وارزش فناوری‌هایی که ایجاد شدند، نه فناوری‌هایی که صرفاً استفاده شدند. در این مدت این کمردت بوده است. شاخص هم داریم؛ کشور در هر حوزه به‌چند فناوری دست پیدا کرده، نه اینکه کشور از چند فناوری استفاده کرده و اینکه ارزش این فناوری‌ها چقدر است. مثلاً می‌گویند ارزش فناوری فلان موضوع اینقدر میلیون دلار در دنیا است و اینکه چقدر ما از این فناوری درآمد داشته‌ایم. این حرف دیگری است. اینکه در این دوره سه‌ساله، چون سه سال زمان خوبی است به‌چند فناوری یا چه ارزشی دست پیدا کرده‌ام؟ این ملاک هم در حوزه فناوری است.

در حوزه علم هم چون ما دنبال جریان‌سازی هستیم ملاک این است که چند آدم شاخص در کشور پررنگ شدند و چند کار شاخص علمی در سطح جهان منتشر شد. در حوزه علمی چند مقاله و چند ساینس منتشر شد. بحث مقالات عمومی به‌عنوان یک موج عام با وزارت علوم است. به‌عنوان جریان‌سازی اینکه این‌ان در چند حوزه مطرح شد مثلاً ۲۰ دانشمند خاص در کشور داشتیم، در ۵۰ هزار هم توانستیم مطرح شویم. این هم ملاک شاخص اندازه‌گیری در حوزه علم است.

این را هم اضافه کنیم که اینها علم و فناوری و دانش‌بنیان بوده، یکی قبل و یکی بعدش را می‌خواهیم بگویم. یکی اینکه چقدر توانستیم اندیشکده دانش‌بنیان ایجاد کنیم و چقدر به اندیشکده‌ها فضا دادیم. به این مساله کمتر توجه شده است. ولی من معتقدم که خیلی مهم است. دوم شاخص‌های کسب‌وکار و شاخص‌های تسهیل کسب‌وکار و بهبود فضای کسب‌وکار به‌عنوان وظیفه آخری که کارآفرینی معاونت انجام می‌دهد، است. کشور در شاخص‌های کسب‌وکار و بهبود فضای کسب‌وکار چقدر ارتقا پیدا کرده است. این دورا دو طرف می‌گذارد. من این سه شاخص اگر توفیق پیدا کنیم که خوداند متعال را اشا‌کاریم. هر جا که احساس کنیم نمی‌توانیم کار انجام بدهیم، بلد نیستیم، قبل از اینکه دولت تمام‌شود خدا حافظی می‌کنیم من این تعهد را در وقتی احساس کنیم به‌هر دلیلی کار در نمی‌آید یک ماه هم معطل نمی‌کنم و فرصت را به‌قدری بعدی می‌دهم.